

می‌پردازند به نظر می‌رسد که ساختن فرودگاه‌ها نیز باید از همین نظر مورد مذاقه قرار گیرد.

بابک دربیگی

۱- حیات نو، ۸۰/۵/۲

ایدز؛ معضل اجتماعی

یکی از مهم‌ترین پرونده‌های قضایی ایران که هنوز هم از چند و چون احکام صادره و کیفیت دقیق نتایج حاصل از محاکمات آن اخبار دقیقی در دست نیست و به گفته حیات نو شاید پس از پرونده قتل‌های زنجیره‌ای حجیم‌ترین پرونده‌های قضایی ایران باشد، پرونده تزریق خون آلوده به بیماران هموفیلی و آلوده کردن بسیاری از آنان و به تبع آن‌ها فرزندان و همسرانشان به بیماری ایدز است.^۱ به واسطه همین فاجعه و اخبار و گزارش‌های ویژه‌ای که در مطبوعات انعکاس یافت، بیماری ایدز بالاخره مورد توجه گسترده‌ای قرار گرفت و همراه با این توجهات نکاتی آشکار گشت که مروری بر آنها لازم به نظر می‌رسد.

جدای از مباحث عاطفی قضیه و تأسف بابت سرنوشت تعدادی انسان که به این بیماری مبتلا شدند و جدای از علت ابتلای به بیماری^۲، باید توجه داشت که این بیماری بنسب

به ماهیت انتقال و شیوع آن، به هر رو یک معضل اجتماعی است. طبیعتاً به یک چنین معضلی نیز باید از همین بُعد توجه شود. قدم اول در این زمینه، ایجاد حساسیت به جا و مناسب در جامعه است. حساسیت مناسب، یعنی آگاهی دادن از نحوه شیوع و ابتلای به آن. این آگاهی هم می‌تواند به عنوان مهم‌ترین ابزار پیشگیری به کار رود و هم مانع از انزوای افرادی شود که باید با این بیماری مرگبار دست و پنجه نرم کنند. گزارش تأسف باری که حیات نو از تعدادی از مبتلایان به ایدز ارائه کرد، حاکی از انزوای اجتماعی بیماران هموفیلی‌ای بود که به ایدز مبتلا شده‌اند، گویا حتی پزشکان نیز از مراقبت آنان سرباز زده‌اند.^۲ در عین حال کمتر حرکتی از سوی آگاهان امور و مسئولین در جهت رفع این نوع برخوردها در جامعه نشان داده می‌شود. ارائه آماری از مبتلایان به ایدز و این که در کشور چقدر بیمار مبتلا به ایدز وجود دارد کافی نیست.



در عمل نیز دیده‌ایم که رویکرد انسانی و همدردانه جوابی، هر چند نه سریع، اما متناسب با خویش خواهد یافت.

فیروزه میرمظهری

۱- حیات نو، ۸۰/۴/۱۸

۲- بر اساس آمارهای ارائه شده بیشترین علت ابتلای به این بیماری، از طریق سرنگ‌های آلوده و یا خون الوده بوده است.

۳- همان

بازپس‌گیری امضاها به چه مناسبت؟

پاسخگو بودن نهادهای سیاسی و سیاستگذاری و شفافیت سیاسی در کنار بحث‌های قانون‌گرایی و جامعه مدنی از سوی اصلاح‌طلبان به منزله اموری مهم که می‌تواند به مدد این حرکت بیاید، شناسایی شده است. اینک به نظر می‌رسد که این مهم در ارتباط با امضاهایی که نمایندگان برای رسیدگی به امور مختلف در مجلس جمع‌آوری کرده و به ریاست مجلس تحویل می‌دهند و پس از چندی به دلایلی - دستکم برای عموم ملت - نامعلوم پس می‌گیرند، رعایت نمی‌شود.

در تیر ماه سال جاری یکی از موضوعات مهم سیاسی که موجب بحث‌های زیادی بین نمایندگان مجلس و قوه قضاییه شد

یکی از دیگر نکاتی که در برخورد با این معضل به چشم می‌خورد، سکوت بسیاری از مسئولین در مواجهه با افکار عمومی و مقاومت با برخی راه‌کارهای کمک به این بیماران است. به طور نمونه می‌توان به بیمارستان و آسایشگاهی که در کرمانشاه برای بیماران ایدزی ساخته شد ولی بر اثر اعتراض مردم منطقه کاربری آن تغییر داده شد، اشاره کرد. این بیمارستان که تنها پناه این بیماران و محلی برای تسکین درد آن‌ها بود و نیز یکی از مهم‌ترین مراکزی که می‌شد به طور جدی برای امور پژوهشی در مورد این بیماری مورد استفاده قرار گیرد، به امر دیگری اختصاص یافت. متأسفانه دلیل آن نیز اعتراض عمومی بود، اعتراضی که می‌شد با اطلاع‌رسانی مناسب به آن پاسخ گفت.

عدم مقاومت جدی مسئولین به ویژه نمایندگان مجلس در برابر این نوع اعتراضات و شاید نگرانی از انتخاب مجدد مانع از آن بوده‌اند که تلاشی انسانی در این زمینه شکل گیرد. می‌دانیم که برای حل این معضل اجتماعی باید جامع‌نگر بود و به وظیفه روشنگری اجتماعی پرداخت، در عین حال قدم‌های اولیه را نیز می‌توان با شهادت بیشتری برداشت و به عوض پذیرفتن بی‌چون و چرای افکار عمومی، کمی هم به تکالیف انسانی خود بیندیشیم.